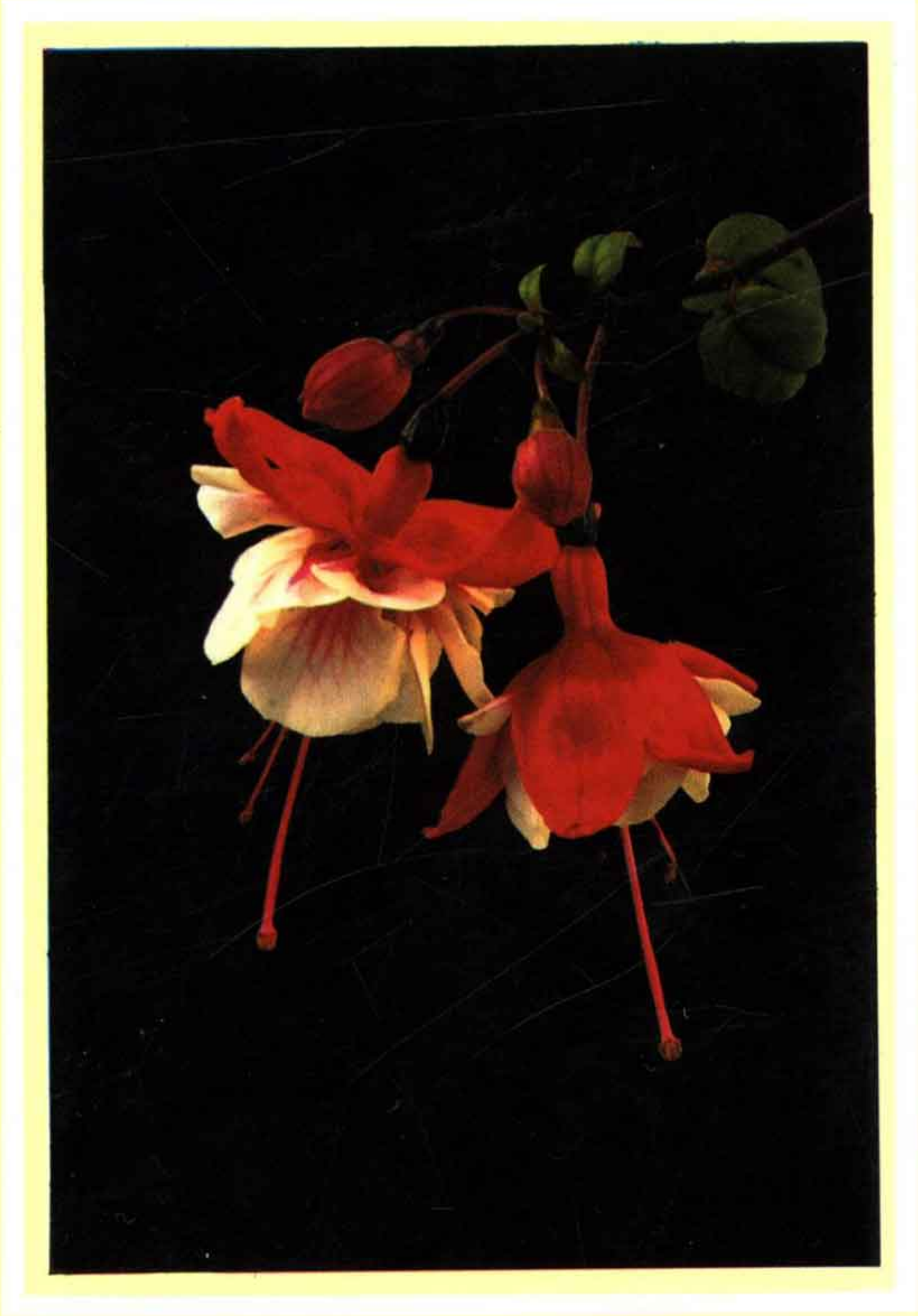


بہ پامی مجور، مستی



دکتر حسین فریدونی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بہ پای محور هستی

دکتر حسین فریدونی



انتشارات نبا

فریدونی، حسین، ۱۳۲۱ -

به پای محور هستی / دکتر حسین فریدونی - تهران: مؤسسه نیا، ۱۳۷۹.

۶۴ ص. ISBN : 964 - 6643 - 47 - 7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. کتابخانه به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (هج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - ۲. مهدویت - انتشار.

۳. محمد بن حسن (هج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - رویت. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۹۵۹

ب ۹ ف ۴ / BP ۵۱

۱۳۴۷۲ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

به پای محور هستی

مؤلف: دکتر حسین فریدونی

حروفچینی: انتشارات نیا / لیتوگرافی: نیا اسکرین / چاپ و صحافی: رامین

چاپ اول: ۱۳۷۹ / چاپ دوم: ۱۳۸۰ / چاپ سوم: ۱۳۸۱ / کد کتاب: ۱۰۹/۴۶/م

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه / قیمت: ۳۲۵۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا / تهران، کارگر شمالی، کوچه هما، پلاک ۶

فاکس: ۶۹۴۴۶۱۵

تلفن: ۸ - ۶۴۲۱۱۰۷

شابک: ۹۶۴ - ۶۶۴۳ - ۴۷ - ۷ - ۹۶۴ - ۶۶۴۳ - ۴۷ - ۷ ISBN : 964 - 6643 - 47 - 7

پیشگفتار

در طول تاریخ اعتقاد و عقیده به مهدویت و ارادت خالصانه به محضر مقدس ائمه هدی و بالاخص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بوده است که شیعه را حفظ نموده و با وجود همه حملات و لطمات شیعه همچون نخل سرفرازی با قامت راستین در میان همه فرق اسلامی بر سر پای مانده است. و این هم به اعتبار اخلاص و رزیدن شیعه به آستان مقدس ائمه علیهم السلام و بالاخص وجود مسعود حضرت حجت الله علیه السلام بوده و هم بخاطر عنایت‌های خاصه آن بزرگوار که همچون پدری بزرگوار و مهربان و دلسوز از شروع غیبت صغری تا هم‌اکنون سایه خویش را بر سر شیعه گسترده‌اند.

برای آنکه این عنایت استمرار یافته و روز بروز افزون‌تر گردد، شیعه باید نسبت به مقام امامت و بالاخص امام عصر علیه السلام شناختی بیشتر یابد و ضمن این شناخت و بصیرت نسبت به نقش امام در هستی، وظائف خویشان را در قبال حجت و ولی زنده خدا بهتر بشناسد و به انجام آن قیام نماید.

این مجموعه مختصر به همین هدف نگارش یافته و در نگارش آن از سخنان عالمان ربّانی و دانشمندان غیر روحانی و روحانی و نیز کتب گوناگون بسیار بهره‌مند گردیده‌ام.

در نگارش این سطور سرکار خانم مصطفوی کمکهای سرشاری به نگارنده نموده‌اند که از خدای سبحان مزید توفیقات این خواهر ارجمند را خواهان و خواستارم.

ضمناً از خوانندگان ارجمند تقاضا دارم تا با نظر انتقاد به این وجیزه بنگرند و با ارسال نظرات و انتقاداتشان به ناشر محترم اینجانب را در جهت تصحیح و کامل کردن مندرجات کتاب یاری دهند.

لازم است در اینجا از تلاشها و زحمات و پیگیری‌ها و نیز سرعت عمل برادر ارجمند جناب آقای حاج حسین شهری، ناشر محترم سپاسگزاری نمایم و بخاطر انتشار اینگونه آثار از درگاه حضرت احدیت برایشان عزت و سربلندی و عاقبت بخیری را طالب و آرزومند باشم.

مناسب دانستم که پایان بخش این مقدمه را اشعاری از شاعر فقید و دوست گرانمایه مرحوم حاج محمدجواد قائمی همدانی قرار دهم.

ای جان فدای آنکه او پیدای ناپیداستی

بر گرد کویش هر ولی سرگشته و شیدااستی

دریای مهرش بی‌کران، امواج لطفش بی‌امان

دریا و رویش دیدگان بر آب چون دریااستی

محبوب ذات کبریا، فرزند پاک مصطفی
 نور دو چشم مرتضی، دلداده زهراستی
 غایب اگر شد از نظر دایم کجا دارد مقرّ
 جایش درون جان ما، در گوشه دلهاستی
 نور امام منتظر، باشد ز هر سو جلوه‌گر
 هر کس نبیند روی او بینای نابیناستی
 خلقی همه مهمان او، بر سفره احسان او
 از پرتو انوار او، افلاک پابرجاستی
 دنیای روح‌افزای ما، وین عالم زیبای ما
 از غیبت دیدار او، زیبای نازیباستی
 ای دلبر دلدادگان وی حامی افتادگان
 بازآ که پهنای جهان، جولانگه اعداستی
 دل در هوای کوی او، پر می‌گشاید سوی او
 از سوختن، پروانه را، کی وحشت و پرواستی
 تا بینم آن بدر دُجی، روی آورم یارب کجا
 آیا به رضوی جای او یا وادی سیناستی
 از شدت آه و فغان، شد تیره روی آسمان
 هر لحظه‌ای از زندگی، اینک شب یلداستی
 جانها فدای قائمی، کو گر نتابد رو، دمی
 در هر دو عالم قائمی، بیچاره و رسواستی

شناخت نقش امام در هستی

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَّوَاتُكَ عَلَيْهِ
وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيّاً
وَ حَافِظاً وَ قَاعِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى
تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

برای آنکه وظائف خویش را در قبال حضرت بقیة الله عليه السلام بهتر بشناسیم و نسبت به انجام آنها خود را موظف بدانیم لازم است در ابتدا نقش امام را در هستی بدانیم و حکمت وجود حجت خدا در آفرینش را تا حد ممکن به میزان بینش و درکمان دریابیم. آنگاه بهتر توجه خواهیم نمود که در برابر امام زنده و حجت بر حق حضرت ذوالجلال چه مأموریت‌ها بر عهده‌مان محول گردیده است، و چگونه باید از عهده ایفای آنها برآییم.

در کتاب ینابیع المودة شیخ سلیمان حنفی قندوزی در صفحات ۴۴۲ و ۴۴۴ در بابی تحت عنوان «اوصیاء پیامبر دوازده نفرند»،

احادیثی ذکر نموده که بسیار حائز اهمیت است. از جمله آن احادیث حدیثی است از شخص یهودی بنام نعثل که از رسول خدا می پرسد: «آیا شما نیز همانند دیگر پیامبران الهی اوصیائی دارید؟» پیامبر فرمودند: «آری، و اوصیاء من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل.» و سپس حضرتش ائمه را یکایک بر می شمرد و آنان را با اسم و لقب معرفی می فرماید، تا در آخر حدیث سخن از دوازدهمین وصی خویش، که نهمین فرزند حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستند به میان آورده و اضافه می فرمایند: «او فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام و همنام و هم کنیه من است و کسانی که بر اعتقاد به وی ثابت می مانند قلبشان محکم و ایمانشان قوی است. وی ولادتی پنهانی داشته و مدت مدیدی از چشمان مردم غایب می شود.» پس از این بیانات یهودی سؤال می کند: «مردم از امام غائب چگونه بهره مند و بهره ور شوند؟» رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «مردم در زمان غیبت او از وی منتفع شوند همانگونه که از خورشید پس پرده ابر بهره مند می شوند.»

دقت در این بیان که به فراوانی در احادیث مربوط به امام عصر علیه السلام یافت می شود، نکات مهمی را برای خواننده روشن خواهد نمود.

(۱) همانگونه که می دانیم در منظومه شمسی ما خورشید به عنوان رئیس و محور در مرکز منظومه قرار گرفته و سیارات نه گانه یعنی عطارد - زهره - زمین - زحل - مریخ - مشتری - اورانوس - نپتون و پلوتون با فواصل معین و مشخص گرداگرد آن مشغول گردش اند، و قطعی است که بر قرار ماندن نظام منظومه در گرو و

شناخت نقش امام در هستی * ۹

براساس وجود خورشید است و اگر قرار باشد که خورشید نباشد منظومه شمسی موجود نخواهد بود. به بیان دیگر موجودیت و حیات منظومه وابسته به حیات خورشید است. حال با این خاصیت وجودی آیا تفاوتی می‌کند که خورشید در آسمان بدرخشد و یا آنکه پرده‌های ابر چهره این کره مذاب و فروزنده را بگیرند؟ و سیمای خورشید از انظار پنهان باشد؟ قطعاً پاسخ این است که خورشید چه آشکار باشد و چه پنهان دارای این خاصیت است که زندگانی و موجودیت منظومه شمسی وابسته به حیات و وجود خورشید است و ابری بودن آسمان و یا غیر ابری بودن آن از این خاصیت هیچ تغییری را نمی‌تواند ایجاد نماید و خورشید در هر حال خورشید و محور منظومه شمسی است. در اینجا لطافت و ظرافت کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روشن می‌شود که امام غائب را به خورشید پس پرده ابر تشبیه فرموده است. یعنی همانگونه که خورشید مایه حیات منظومه شمسی است ولو در پس پرده ابر باشد، به همین ترتیب امام نیز وسیله هستی و برقرار ماندن نظام کائنات است با آنکه غائب و پنهان باشد و دیدگان از دیدنش محروم باشند. به عبارت دیگر بودن امام در پس پرده غیبت برابر با نبودن امام نیست، چه نبودن امام، برابر نبودن هستی است. حال آنکه غائب بودن امام یعنی محرومیت اکثریت قریب به اتفاق مردمان از روئیت جمال زیبای آن بزرگوار.

(۲) در کوهستان‌هایی که آبشار جاری می‌گردد هر قدر ارتفاع آبشار زیادتر باشد طبعاً بر شدت و حدت آب افزوده خواهد گردید، و قدرت تخریبی آن افزایش پیدا خواهد کرد. و اگر قرار باشد که

آب با همان شدت و حدت، از ارتفاع در داخل جوی‌های زیر آبشار بریزد، تردیدی وجود نخواهد داشت که همه آنها را ویران خواهد ساخت. به همین جهت معمولاً در محل فرود آب از ارتفاع در آبشارها گودال‌هایی ایجاد می‌گردد که این گودال‌ها شدت آب را کنترل می‌کند و قدرت آنرا تعدیل می‌نماید و بعد در درون جوی‌های زیر آبشار، به میزان ظرفیت آنها آب را به جریان خواهد انداخت. پس وجود این گودال‌ها جهت تعدیل شدت و قدرت آب لازم بوده و وجود آنها حیات جوی‌های آب اطراف آبشار را تضمین خواهد نمود.

با توجه به این مثال می‌توان نقش امام را از نظری دیگر در هستی مورد توجه قرار داد:

تردیدی وجود ندارد که فیوضات از منبع و مصدر فیض یعنی حضرت ذوالجلال به مخلوقات و ممکنات می‌رسد ولی در این مطلب نیز تردیدی نیست که اگر فیوضات حضرت حق یعنی حیات، علم، قدرت، هیمنت، سلطنت و ... قرار باشد با همان شدت و حدتی که دارند مستقیم به انسان‌ها برسند، تردیدی نیست که کینونت و هستی انسان‌ها را مندک خواهند ساخت. زیرا فیوضات حضرت حق و شدت آنها کجا و ظرفیت و توان انسان‌ها کجا؟! از همین روست که در ایصال فیوضات خداوندی امام واسطه‌ای است که بخاطر وسعت و فسحت ابعاد وجودی فیوضات را از منبع فیض گرفته و به ممکنات و مخلوقات به میزان استعداد و توانشان عنایت می‌فرماید لذا فرموده‌اند:

بِئْمِنِهِ رُزِقَ الْوَرِيُّ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

به یمن وجود مقدس امام علیه السلام است که همه مخلوقات روزی می‌خورند و به برکت وجود آن بزرگوار است که زمین و آسمان بر جای خویش استوارند.

آنچه در این راستا باید گفت آن است که در باب توسلات و استشفاعات، مسأله امام زنده و حیّ اهمیتی فوق تصور می‌یابد. به این معنی که هر نوع توسلی که از سوی بندگان خدا به وساطت اولیاءالله در خانه خدا به عمل آید، این وساطت در نهایت به وسیله حجت زنده و امام عصر صورت خواهد پذیرفت. برای مثال انسان به خاطر مشکلی توسل به ساحت مقدّس حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراء علیها السلام پیدا می‌کند. در اینجا است که حضرت صدیقه علیها السلام حاجت و مسأله را ارجاع به فرزند برومندش حضرت مهدی علیه السلام می‌نماید و از طریق این بزرگوار عرضه حاجت و نیاز به درگاه الهی انجام خواهد پذیرفت، و در صورتی که با توجه به مصالح مسائل با این وساطت خداوند جلّ و عزّ عنایتی فرماید، این عنایت توسط حضرت زهراء علیها السلام و به دست مبارک حضرت ولیعصر ارواحنا فداه به فرد درخواست کننده و حاجتمند خواهد رسید.

(۳) نکته‌ای که می‌توان در آخر اضافه کرد این نکته است که به‌هنگام قرار گرفتن خورشید در پس پرده ابر، بر اساس مطالعات علمی ثابت شده باز هم مقداری از اشعه جان‌بخش و حیات‌بخش این کره فروزان از وراء پرده‌های ابر عبور کرده و به زمین می‌رسد، و به این ترتیب علاوه بر آنکه وجودش موجب برقرار ماندن حیات در منظومه شمسی می‌گردد این مقدار از اشعه نیز که به زمین می‌رسد خواص فراوان دیگر را در کره زمین باعث می‌گردد، به

همین گونه امام نیز علاوه بر آنکه مرکز هستی است، اشعهٔ جان بخش و روح نواز فیوضاتش از پس پرده ابرهای غیبت گذر کرده و کام شیفتگان و تشنگان جمال بی‌مثالش را شیرین می‌نماید.

روایات چه می‌گویند؟

همه ما از حدیثی بسیار مشهور آگاهی داریم که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نقل شیعه و سنی فرمودند:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

مسلم است که مراد رسول خدا از این حدیث، آن نیست که ما امام زمان خویش را در حد نام و القاب و کنیه‌ها و نام پدر و مادر و تاریخ تولد و محل تولد و غیبت صغری و کبری آن بزرگوار بشناسیم؛ بلکه مطلب از این فراتر می‌رود و شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تری را در این حدیث شریف از ما خواسته‌اند و به نظر می‌رسد که این شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر را می‌توان در کلام مولای متقیان امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام دریافت. آنجا که در نهج‌البلاغه چنین می‌فرماید:

إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قَوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرَفَاءُهُ عَلَى عِبَادِهِ

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ
النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ.

همانا که ائمه قیام کنندگان خدا بر خلق اویند و وسیله
شناساندن پروردگار به بندگان. کسی داخل بهشت نمی‌تواند
بشود مگر آنکه ائمه را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند و
کسی داخل جهنم نمی‌شود مگر آنکه ائمه را انکار نماید و
ائمه نیز او را انکار کنند.

ملاحظه می‌شود که در بیان مولای متقیان شرط ورود در بهشت
شناختن ائمه است و تأیید شدن توسط ائمه، و قبل از آن هم
امام علیه السلام نقش ائمه را در هستی بیان فرمودند که وسیله قوام و بقای
هستی‌اند و بدون آنها هستی نمی‌تواند قوام داشته باشد.

حدیث دوم در این راستا، حدیثی است که شیخ بزرگوار
صدوق رحمته الله و نیز شیخ جلیل‌القدر مفید رحمته الله در امالی خویش از رسول
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که حضرتش فرمودند:

لَمْ يُؤْمِنْ بِي مَنْ لَمْ يُحِبَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي أَكْثَرُ مِنْ مَحَبَّتِهِ
لِنَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ.

یعنی به من ایمان کامل نیاورده آن کسی که من و فرزندان مرا
از خود و فرزندان‌ش بیشتر دوست نداشته باشد.

در اینکه از زمان رحلت حضرت عسکری علیه السلام تاکنون فرزندان
قطعی و صحیح‌النسب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، وجود مقدس حضرت
بقیة الله ارواحنا فداء می‌باشند تردیدی وجود ندارد و به این ترتیب
شیعه باید آن حضرت را از فرزندان خویش بیشتر دوست داشته باشد.
با این توضیحات روشن می‌شود که تکلیف شیعه در قبال امام

خویش چیست و چه باید بکند. در این ارتباط بیان مثال ساده‌ای مطلب را روشن می‌کند. اگر فرزند ما مدتی برای مثال ۲ ساعت گم شود و از دیدگان ما پنهان گردد چه وضعیتی پیدا می‌کنیم؟ آیا آرام می‌گیریم و یا به هر دری می‌زنیم تا از فرزند گم‌شده خویش اثری بیابیم؟! آیا در این رخداد گرفتار ناآرامی و اضطراب و دل‌شوره نمی‌شویم؟! و برای آرام شدن دل و جان ملتهب خویش به هر اقدام ممکن دست نمی‌یازیم؟!!

حال باید پرسید، برای یافتن گم‌شده‌ای که باید عزیزتر از فرزند ما باشد چه باید بکنیم که این فراق به وصال و این هجران به پایان برسد؟ در صفحات آینده به اختصار در این مقوله بحث خواهیم داشت.

از آنجا که بنای این نوشتار بر اختصار است از پرداختن تفصیلی به امور اجتناب می‌گردد، ولی برای آنکه از حقوق عدیده‌ای که امام علیه السلام بر گردن ما دارند شمه‌ای را متذکر شویم. بسیار مختصر به برخی دیگر از حقوق امام علیه السلام اشارت می‌نماییم:

- (۱) حق وجود و هستی که به آن اشارت نمودیم.
- (۲) حق بقاء در دنیا که مختصری به آن پرداختیم.
- (۳) حق قرابت و خویشاوندی امام علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

همان‌گونه که در سوره شوری می‌خوانیم:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ.

به صریح آیه، رسول خدا مأموریت می‌یابد که از مردم بخواهد در برابر زحمات طاقت فرسای آن بزرگوار در امر تبلیغ رسالت به نزدیکان آن بزرگوار مهر بورزند.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه می‌فرمایند که مُراد از «قُربی» امامان می‌باشند.

امروز مسلم است که امام زنده از نسل پیامبر که مصداق قطعی «قُربی» در آیه می‌باشند، وجود اقدس و مسعود حضرت حجت‌بن‌الحسن علیه السلام می‌باشند. لذا براساس مدلول آیه، باید که هر مسلمان این حق قرابت را پاس دارد و در ادای آن بکوشد. در حدیث دیگری این حق به‌صورتی بس روشن بیان شده است. این حدیث از رسول اکرم چنین نقل شده است:

أَنَا شَافِعُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ لِأَرْبَعَةِ اصْنَافٍ ... رَجُلٌ نَصَرَ
ذُرِّيَّتِي وَ رَجُلٌ بَدَلَ مَالَهُ لِدُرِّيَّتِي عِنْدَ الضِّيقِ وَ رَجُلٌ
أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَ الْقَلْبِ وَ رَجُلٌ يَسْعَى فِي
حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا أَوْ شُرِدُوا.

یعنی من روز قیامت برای چهار گروه شفاعت می‌کنم گروهی که فرزندان مرا یاری کنند، گروهی که به هنگام گرفتاری مالی فرزندان من به آنان کمک مالی کنند، گروهی که فرزندان مرا به قلب دوست بدارند و به زبان نیز اظهار کنند و مردمی که نیازهای فرزندان مرا به هنگامی که ترک می‌شوند یا تحت تعقیب قرار می‌گیرند تأمین می‌نمایند.^(۱)

(۴) حق منعم بر متنعم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس نسبت به شما کار نیکی انجام داد به او پاداش دهید و اگر نمی‌توانید، برای او دعا کنید تا

روایات چه می‌گویند * ۱۷

اطمینان یابید که کار نیک آن شخص را جبران نموده‌اید.»
بدون تردید این هر دو حق برای مولای ما حضرت صاحب
الامر علیه السلام وجود دارد، زیرا که تمام بهره‌ها و فایده‌هایی که به مردم
می‌رسد به برکت وجود مقدس امام عصر علیه السلام است و آن چنان که در
زیارت جامعه می‌خوانیم و اولیاء النعم.

امام سجاد علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمودند: «ای ابو حمزه پیش از
طلوع آفتاب نخواب که آن را خوش نمی‌دارم به تحقیق که خداوند
در آن وقت روزی‌های بندگان را تقسیم می‌کند و بر دست ما آنها را
جاری می‌سازد.»

(۵) حق پدر بر فرزند

در روایات اسلامی آمده است که ائمه فرمودند: «شیعیان از
باقی‌مانده گل ما خلق شده‌اند.» یعنی همان‌گونه که فرزند از پدر
بوجود می‌آید، از این دیدگاه ائمه نیز به مثابه پدران شیعیان
محسوب می‌گردند. چنان‌که در کافی از حضرت رضا علیه السلام روایت
شده که فرمودند:

الإمامُ الأئیسُ الرَّفیقُ وَ الوالدُ الشَّفیقُ.

امام مونس‌ی است پرمدارا و پدری است مهربان.

و نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

أنا و علیّ أبوا هذه الأمة.

من و علی دو پدر این امت هستیم.

بنابراین همان‌گونه که باید پدر صلبی را احترام کرد و حرمت او
را پاس داشت، باید که به مراتب شدیدتر از پدر صلبی نسبت به
امام ادای احترام کرد و حقوق آن بزرگوار را پاس داشت.

(۶) حق آقا و مولا بر بنده
در زیارت جامعه می خوانیم.

وَالسَّادَةُ الْوَلَاةُ.

یعنی ائمه علیهم السلام موالی جلیل القدر و عالی مرتبی هستند.

امروزه مولا و سرور ما وجود نازنین و ذی جود حجت الله الاعظم
روحی فداء است، و همانگونه که بنده باید در برابر آقای خویش تسلیم
محض باشد، باید که مقام عظیم امام را شناخت و در برابر حضرتش
مطیع و تسلیم محض بود.

(۷) حق معلّم بر متعلّم

قدر مسلم آنکه امام عصر علیه السلام امروزه مصداق اتم و اکمل اهل
ذکر هستند که در قرآن مقدس آمده است:

فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

آیه دلالت بر آن دارد که هر نوع دانایی و تعلّم باید که از مسیر

امام عصر علیه السلام صورت پذیرد.

زوی همین اصل فراگیری معارف دین و مذهب باید که با
توسّل به ذیل عنایت آن معلّم الهی انجام پذیرد کما اینکه در
قضایای تشرّف به محضر مقدّس حضرت ولیّ عصر علیه السلام شاهد
آموزش های آن بزرگوار می باشیم.

(۸) حق امام بر رعیت

در روضه کافی از حضرت مولی الموحّدین چنین آمده است:
پس مهمترین چیزی که خداوند از جمله حقوق فرض نموده،
حق ولی و زمامدار بر رعیت است و مؤید این مطلب آیه شریفه
قرآن است که حضرتش را به عنوان ولی امر معرفی کرده و

طاعتش را واجب نموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي
الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

شناخت حقوق امام علیه السلام بر ما شیعیان ایجاب می‌کند که جهت
ادای آنها قیام نماییم و آنچه به عنوان وظیفه در همین ارتباط بر
عهده ما قرار می‌گیرد بدانیم و اجرا کنیم.

صفحات آینده در بر گیرنده این وظایف خواهد بود.

آیات و احادیث شب قدر برهانی دیگر بر عظمت امام عصر علیه السلام
در قرآن مقدس غیر از سوره مبارکه قدر که تماماً درباره اهمیت و عظمت شب قدر صحبت می‌کند، آیات و سوره دیگری در این ارتباط وجود دارد که از آن جمله آیه‌های مبارک ابتدای سوره حم دخان می‌باشد:

حُم * وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ * اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ اِنَّا
كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيمٍ * اَمْرًا مِّنْ
عِنْدِنَا اِنَّا كُنَّا مُرْسَلِينَ.

حُم، سوگند به کتاب آشکار (قرآن)؛ ما آن کتاب را در شب پربرکت فرو فرستادیم، همانا ما بیم دهنده‌ایم؛ در آن کتب که همه امور حکیم در آن از هم جدا می‌شوند؛ امری که از سوی ماست. بدرستی که ما فرو فرستندگانییم.

اگر آیه سوّم همین سوره دخان را به همراه سوره قدر در نظر بگیریم، متوجه ارتباط آنها با وجود مقدس امام عصر علیه السلام خواهیم شد، چرا که می‌فرماید در این شب امور جدا و تفصیل داده می‌شوند.

به علاوه در آیه ۱ سوره مبارکه نحل می‌فرماید:

يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ.

فرود می‌آورد فرشتگان را همراه با روح از عالم امر خویش بر هر که از بندگان خویش که بخواهد، که مردم را از این مطلب بترسانید که پروردگاری جز من نیست پس تقوا پیشه کنید.

در مجموعه این آیات چنین استنتاج می‌گردد که در شب قدر که شب نزول قرآن نیز بوده است، از آن زمان تا زمان ما و تا پایان جهان، فرشتگان و روح که فرشته بزرگ خداست، بر زمین آمده و نزد بنده‌ای از بندگان خاص خدای تعالی شرف‌یاب می‌گردند و امور را به صورت تفصیلی و جدا شده نزد آن بزرگوار می‌آورند. مطلبی که باید مد نظر قرار گیرد، آن است که به هنگام حیات رسول مکرم، فرشتگان و روح نزد آن حضرت شرف‌یاب می‌شدند. بنابر آیاتی که ذکر شد، نزول فرشتگان و روح بعد از پیامبر نیز همچنان ادامه دارد.

حال این سؤال مطرح است که پس از رحلت رسول خدا فرشتگان و روح نزد چه کس و یا کسانی شرف‌یاب می‌شوند؟

در پاسخ به این سؤال به تفسیر برهان جلد چهارم، صفحه ۴۸۳، ذیل آیات مربوط به سوره قدر مراجعه می‌کنیم:

حضرت ابوجعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «ای شیعیان با دشمنانتان به وسیله سوره قدر حاجه و مخاصمه کنید. سوگند به خدا که این سوره قدر، حجت خداست بر بندگان بعد از پیامبر. با این آیات مباحثه نمایید.» و نیز فرمودند: «ای گروه شیعه با آیات

نخست سوره حم دخان با دشمنان مباحثه و گفتگو کنید، چرا که این آیات مخصوص اولیاء امر پس از پیامبر می باشد.»
 و نیز در همین کتاب در ذیل سوره مبارکه قدر از حضرت صادق علیه السلام چنین نقل شده که آن بزرگوار فرمودند: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام نزد ایشان بودند، سوره قدر را خواندند، که در این هنگام حضرت حسین علیه السلام عرض کرد: آیا تلاوت آیات این سوره و ذکر آنان که در این سوره آمده اند مایه لذت شماست؟ فرمود: آری ای فرزندم و ای فرزند رسول خدا، زمانی که این آیات نازل شد، جدت رسول خدا مرا خواند و آیات سوره را بر من تلاوت فرمود و سپس بر شانه راست من زد و فرمود: ای برادرم و ای وصیم، و ای ولی من بر اتم پس از من، و ای آنکه تا روز قیامت دشمنانم با تو در ستیزند، این سوره پس از من از آن توست و پس از تو از آن دو فرزندت می باشد.»^(۱)

در کتاب اصول کافی از حضرت جواد علیه السلام حدیثی آمده است: «در شب قدر، هر ساله تفسیر امور بر ولی امر نازل می گردد. که در آن، در مورد شخص ولی امر دستوراتی وجود دارد و هم در مورد مردمان که چه باید انجام پذیرد.»^(۲)
 به این حدیث نیز دقت فرمایید: سعیدبن بسار گوید: «نزد معلی بن خنیس بودم که یکی از سوی امام صادق علیه السلام نزد او آمد.

۱- تفسیر برهان جلد ۴ ص ۴۸۷.

۲- اصول کافی، کتاب الحجة ص ۳۶۰.

من به معلی گفتم: خدمت امام که شرفیاب شدی درباره شب قدر از ایشان سوال کن. معلی رفت و بازگشت از او پرسیدم آیا شب قدر را از امام پرسیدی؟ گفت: «آری و آن حضرت آنچه را که پرسیدم و آنچه را که در ضمیر داشتم و نپرسیدم همه را پاسخ دادند و فرمودند: «شب قدر، شبی است که در آن پروردگار مقادیر آن سال را تقدیر فرموده و سپس آن امور را به زمین می فرستد.» از حضرت پرسیدم: «نزد چه کسی؟» فرمودند: «نزد آن کسی که می بینی»^(۱) و از هر سه امام بزرگوار شیعه یعنی حضرات باقر و صادق و کاظم علیهم السلام نقل است که فرمودند:

«شب قدر بر ما مخفی نیست زیرا که در آن شب فرشتگان گرداگرد ما می گردند.»^(۲)

پس بر اساس روایات وارده از ائمه اهل البیت علیهم السلام، در شب قدر امور سال آینده هر شخص تقدیر می شود و خدای تعالی توسط فرشتگان و روح آن امور را بر زمین نازل می فرماید. اما مطلب چنان نیست که امور تقدیر شده حتمی و قطعی باشد، بلکه خدای متعال به عللی آن امور را ممکن است تغییر دهد. چرا که خود می فرماید: «خدای متعال آنچه را بخواهد محو و یا اثبات می فرماید و امور در دست خداست.» بر این مطلب، دعایی که در شب قدر دستور داده شده آنرا بخوانیم. دلالت می کند:

«پروردگارا اگر در امشب نام من در زمره اشقیاء ثبت گردیده،

۱- بحار الانوار جلد ۹۷ ص ۲۳.

۲- بحار الانوار جلد ۹۷ ص ۱۳.

ای خدای مهربان نامم را از زمره اشقیاء بیرون آورده و در
زمره سعءاء فرار ده.»

حال ارتباط شب قدر با حضرت ولی عصر ارواحنا فداه روشن
می‌گردد:

(۱) فرشتگان شب قدر همراه با روح نژاد حجت زمان در زمین
می‌آیند.

(۲) تقدیرات امور هر کس خدمت ولی زمان برده می‌شود.

(۳) فرمانروایی زمین که همواره در دست ولی امر است در آن
شب جلوه و جلای دگری خواهد یافت.

و اکنون به این پاسخها اضافه می‌کنیم:

در چنین شبی باید که تلاش فراوان در جهت جلب
رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام به عمل آید چرا که یکی
از اموری که باعث می‌گردد مقدرات ما دگرگون گردد و ناممان از
زمره اشقیاء محو و در زمره سعءاء ثبت شود، دعای حضرت حجة بن
الحسن علیه السلام است. زیرا که از آن حضرت مستجاب الدعوة تر در
هستی کسی نمی‌باشد، و دعای آن امام همام انشاء الله کافی است که
وضعیت ما از نکبت و هلاکت و شقاوت به عزت و شوکت و
سعادت تغییر یابد.

وظایفی چند در قبال امام علیه السلام

وقتی دانستیم که حق امام بر ما عظیم است و آن بزرگوار چنین سمت و صفتی در هستی دارند که اگر نبودند هستی نیست می شود و اگر نباشند هستی از میان برخواهد خاست، لذا باید بر اساس تحقیق و تفحص در متون اصیل و صحیح اسلامی دریابیم که در قبال این حقوق بسیار عظیم، وظائف ما به عنوان یک انسان مسلمان شیعه در قبال حضرت صاحب الامر علیه السلام چیست؟

با تعمق و تفحص در متون اسلامی شیعی و با بهره گیری از نظرات دقیق صاحب نظران که عمری را در مسیر شناخت و شناساندن حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گذرانده اند، وظائف یک انسان معتقد به حضرت حجت علیه السلام را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

(۱) وظائف قلبی

(۲) وظائف اعضاء و جوارحی

(۳) وظائف مالی

وظائف قلبی:

(۱) ایجاد و تشدید علاقه به آن بزرگوار:

بحثی مطرح است که آیا محبت و علاقه امری فطری است و غیر ارادی، یا اکتسابی و اختیاری می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت هر دو نوع آن وجود دارد. توضیح مطلب به این قرار است که برخی از انواع محبت‌ها فطری و غیر ارادی هستند. مثل محبت مادر و پدر به فرزند که از لحظه تولد فرزند و حتی قبل از تولد فرزند وجود دارد، و خداوند محبتی وصف‌ناپذیر را در دل مادر و پدر نسبت به فرزند قرار می‌دهد. ولی نوع دیگری از محبت نیز وجود دارد که اکتسابی و ارادی است و این امر با القا و تلقین امکان‌پذیر خواهد بود. توضیح مطلب آن است که ایجاد و تشدید محبت به میزان فراوانی اختیاری است، یعنی انسان می‌تواند با توجه به فضائل و مناقب فردی، محبت او را در دل افزون نماید تا آنجا که اشتیاقش به حدی برسد که آرزویش همراهی همیشگی با او و خدمتگزاری او باشد. همچنین واضح است که اگر کسی از رذائل شخصی آگاه گردد و متذکر پلیدی‌های او گردد، نسبت به او تنفر پیدا می‌کند و بی‌زار از دیدار او می‌شود. چرا که انسان خواستار نیکی‌ها و فضائل و منزجر از بدیها و پستی‌هاست.

حال اگر فرد شیعه معتقد به امام عصر علیه السلام مرتب این معنا را متذکر خویش سازد که امام مخزن و منبع تمام فضائل و کمالات

بوده و محور هستی، اوست و حق حیات بر گردن وی دارد، و پروردگار به خاطر اوست که نعمتهای خویش را بدون کمترین بخل و مضایقه‌ای در اختیار همگان می‌نهد، و به خاطر آن بزرگوار است که با وجود عدم استحقاق انسان‌ها در دریافت نعمت‌های پروردگار، حضرت حق نعم خویش را پی در پی و بدون منت نثار می‌فرماید؛ باعث می‌گردد که علاقه و ارادت به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آن به آن در دل این شیعه زیادتر شود تا کار بجایی برسد که جز دلدار را نخواهد و جز وصلش آرزویی را در سر نپرووراند. آری با آنکه ما شیعیان محبت حضرت صاحب الامر علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را در دل داریم، ولی تشدید و تضعیف آن در دست خود ماست و این مائیم که می‌توانیم ارادت و محبت نسبت به آن بزرگوار را با توجه به اینکه امام تا چه حد به شیعیان نزدیک است و تا چه حد از شیعه رفع گرفتاری می‌کند و تا چه میزان غم شیعه را می‌خورد، همواره در دل خویش تشدید نماییم و دلدادگی و شیفتگی خود را نسبت به حضرتش افزون‌تر سازیم.

البته هم اکنون جای طرح این پرسش است که این افزون شدن محبت ما نسبت به آن بزرگوار به نفع چه کسی است؟ تردیدی نیست که این امر به‌طور قطع و یقین به نفع ماست و این مائیم که در این میان منتفع می‌شویم. چرا که امام را به محبت ما نیازی نیست، و آن بزرگوار محور وجود است و همه‌چیز و همه‌کس به خاطر آن وجود اقدس آفریده شده است. هم چنان که خانه‌نشین کردن امام علی علیه السلام و یا شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز باعث نشد که آن بزرگواران گرفتار زیان و خسران شوند، بلکه در

این میان این مردم بودند که زیان بردند و خسران نصیبشان شد. حال محبت ما نیز نسبت به خاندان پیامبر به طور یقین به نفع ماست. چرا که زیاد شدن ارادت من نسبت به امام عصر باعث می‌گردد که توجه و عنایت آن قطب هستی نیز نسبت به این بنده ناچیز خدا زیادتر شود و زیادتر شدن توجه آن بزرگوار به من خیر دنیا و سعادت آخرت است. همان‌گونه که در حدیث قدسی است که پروردگار فرمود: «ای بنده من اگر یک وجب نزد من آیی من یک ذراع نزد تو خواهم آمد.» امام علیه السلام نیز مظهر اسماء و صفات خداست، اگر وجبی به سویش رویم آن بزرگوار یک ذراع به سوی ما خواهد آمد.

۲) غمگین بودن

غمگین بودن به خاطر غم و حزن خود امام علیه السلام:
 اگر با دیده توجه بنگریم ایشان را می‌بینیم که سالها در زندان غیبت شاهد گرفتاریها و ظلم‌ها بوده است و سالهای درازی است که شاهد صدمه خوردن دین می‌باشد و ایشان که رؤوف‌ترین قلب‌ها را دارند و آگاه و مشرف بر سراسر گیتی است، بیشتر از همه در رنج و ناراحتی و اندوه به سر می‌برد. حال اگر حضرتش را دوست بداریم، چگونه می‌توانیم حزین و اندوه‌ناک نباشیم و خود را هم‌درد امام و مولایمان ندانیم؟!

و غمگین بودن به خاطر مفارقت و دوری از آن حضرت:
 وقتی انسان به کسی علاقه شدید پیدا کرد یقینی است که از فراق محبوب و شخص مورد علاقه‌اش در حزن و اندوه و غم فرو

خواهد رفت، از اینکه چرا محبوبش را نمی بیند و شمع نورانی وجود او تاریک خانه دل او را روشن نمی کند و چرا نمی تواند با دیدن و زیارت روی او دل شاد شود، حزین می گردد.

و غمگین بودن به خاطر طولانی شدن غیبت:

محبّ امام علیه السلام از اینکه چرا امام ظهور نمی کند تا وعده الهی حاکمیت حق بر جهان، تحقق پذیرد همواره تا زمان ظهور و برپایی حق و عدالت اندوهگین می باشد.

۳) انتظار فرج و ظهور داشتن

در متون مذهبی شیعه مسأله انتظار و فرج و ظهور داشتن از آن چنان اهمیتی برخوردار است که برای آن نمی توان میزانی مشخص نمود. تا جایی که این کلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به صورت متواتر نقل شده است که:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»

برترین اعمال امت من انتظار فرج است.

در برخی روایات انتظار فرج را آنچنان بهایی بخشیده اند که آن را با شهادت هم ارز شمرده اند. مانند این روایت که:

«الْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

منتظر امر ما همانند کسی است که در میدان پیکار و مبارزه برای دفاع از اسلام در خون خویشتن در غلطیده باشد.

در برخی روایات نیز حداقل بهره و ثواب این امر را به اینصورت بیان داشته اند که منتظر فرج و ظهور همانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام و به همراه آن بزرگوار باشد.

انتظار فرج یعنی انتظار تشریف فرمایی امام عصر علیه السلام و انتظار تشکیل حکومتی که در آن حکومت بی ایمانی، بی تقوایی، ناپاکی، اعمال رذیله و پست جایگاهی ندارند. انتظار فرج یعنی انتظار ظهور کسی را کشیدن که دنیای آکنده از ستم و ظلم و حق کشی و استعمار و استثمار را دگرگون می سازد و عدالت مطلقه را در زیر لوای توحید خالص در پهنه گیتی می گستراند.

چنین انتظاری دارای اثراتی است، از جمله: دوری از گناه و امیدواری.

توقیعی از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام خطاب به یکی از مرزداران شیعه و پاسداران ساحت مقدسه دین در زمان غیبت کبری، فقیه عالیقدر و بزرگوار شیخ مفید رحمته الله صادر شده است. امام علیه السلام در آن توقیع چنین فرموده اند:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ. ^(۱)

اگر چنانچه شیعیان ما - که خدا آنان را بر طاعت خویش موفق فرماید - بر وفاء به عهدی که با آنان بسته شده بود همگام بودند، یمن ملاقات ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد و

۱ - کتاب امام مهدی از ولادت تا ظهور ص ۳۲۱ و ۳۳۱ و ۳۳۲ از مرحوم سید کاظم قزوینی رحمته الله ترجمه نویسنده این سطور.

سعادت دیدار ما به گونه‌ای که ما را بشناسند هر چه زودتر نصیبشان می‌گردید پس هیچ‌چیز آنان را از ما دور نمی‌دارد مگر آنچه از آنان بما می‌رسد که آنها را ناخوش می‌داریم و آن اعمال را از ایشان روا نمی‌داریم.

چنانچه از توقیع فهمیده می‌شود گناهان از موانع ظهور به شمار می‌رود. حال چگونه ممکن است کسی که خود را منتظر ظهور حضرتش می‌داند، خود به دنبال گناه بگردد و در عین حال منتظر ظهور باشد؟ لذاست که منتظر حقیقتی نه خود گرد گناه می‌چرخد و نه راضی به گناه کردن دیگران می‌شود. بلکه در صدد آنست که ابتدا خود را و سپس دیگران را از گناه دور نماید و هم‌رنگ محبوبش گردد و موجبات رضایت او را فراهم کند.

و باز در توقیعی دیگر خطاب به شیخ مفید رحمته الله آمده است که همین‌گونه هم منتظر ظهوری که شوق یاری حجت خدا را دارد و سودای جان‌بازی در رکاب ظفر انتساب آن امام بزرگوار را در دل می‌پروراند، باید در این تلاش باشد که علاوه بر تحصیل عقاید حقّه، از لوث گناه نیز مبرا و دامنش از آرایش گناه پاک باشد. انتظار ظهور باید که به انسان قابلیت حضور در محضر امام را به گاه ظهور بدهد و فرد را در مسیر تصفیه و تزکیه و تقوی قرار دهد.

و اما دیگر اثر انتظار که بسیار حائز اهمیت می‌باشد آنکه، فرد منتظر هرگز ناامید نمی‌شود. به مثال زیر برای تبیین مطلب توجه کنید:

دو نفر را در نظر آوریم که گرفتار بیماری لاعلاجی چون سرطان پیش‌رفته شده‌اند و پزشکان از معالجه این هر دو تن اظهار

یأس نموده‌اند. در تعبیر عامیانه این دو بیمار را جواب گفته‌اند، و یکی از این دو بیمار فردی است بی‌اعتقاد به خدا و مقدسات و باورهای مذهبی و نفر دوّم فردی است معتقد به این مبانی و اصول. آیا وضع این دو نفر در مواجهه با چنین وضعیتی یکسان است؟ البته پاسخ منفی است. مرگ فرد بی‌اعتقاد همان لحظه‌ای فرا می‌رسد که پزشک یا پزشکان جواب ردّ نسبت به ادامه حیات وی داده‌اند و حال آنکه فرد معتقد به هیچ وجه ناامید نمی‌گردد و غم خویش را پایان یافته تلقی نمی‌کند؛ چرا که او واجد صفتی است به نام امید که به او قدرت و نیروی بی‌بخشد و به خویشتر همواره القاء و تلقین می‌کند که دنیا به آخر نرسیده و لطف خدای متعال به دنبال وساطت و شفاعت مقربان در خانه خدا به وی خواهد رسید و او را از آن مهلاکه خواهد رهانید.

این مثال را از آن جهت آوردیم که خواننده ارجمند فضیلت انتظار فرج را به کمک این مثال بهتر دریابد.

در این تردیدی وجود ندارد که جهان ما در سرایشی سقوط ارزش‌های انسانی و اخلاقی قرار گرفته و با سرعت هرچه تمامتر به درّه هولناک ورشکستگی معنوی نزدیک‌تر می‌گردد. مصلحان و خیرخواهان نیز بنا بر احساس مسرّلیت خویش هر از چندی راه حلی را ارائه می‌دهند. ولی می‌بینیم که این حرکات و اقدامات نیجه‌ای نداشته و سیل بنیان‌کن فساد هر روزه ریشه‌های ستبر بیشتری از ارزشهای والا را بر می‌کند و با خویشتن همراهِ می‌برد. البته در این هنگامه آنان که برای خویشتن رسانی قائلند سعی می‌کنند به اندازه مقدور و ممکن در ممانعت و جلوگیری از نابودی اخلاقی بشریت

تلاش نمایند و جلوی این سیل را به میزان توانشان سد نمایند. ولی تردیدی نیست وقتی در می‌یابند تلاششان بی‌ثمر است و اقداماتشان بیهوده، سرانجام دست از تلاش و کوشش در جهت رهانیدن دیگر انسانها از نابسامانی‌های روحی و معنوی برداشته و در گوشه‌ای آرام گرفته و به نظاره آنچه می‌گذرد اکتفا می‌کنند.

ولی یک منتظر ظهور با این باور که جهان سرانجام به سامان خواهد رسید و یوسف گم‌گشته زهراء علیها السلام به سوی کنعان عدالت خواهد آمد و کلبه احزان فساد و تباهی به ظهور تابناک و درخشان آن مشعل‌دار توحید و دادگری و صفا و امنیت، به گلستان تبدیل خواهد شد؛ در جهت اصلاح و بهبود وضعیت موجود و بسامان رساندن نابسامانی‌ها و رهانیدن انسان‌های درمانده از چنگال تباهی و فساد از پای نخواهد نشست و لحظه‌ای درنگ و تأمل نخواهد نمود و هر روز از روز پیش مصمم‌تر و محکم‌تر به انجام وظائف الهی خویش خواهد پرداخت. زیرا می‌داند که در انجام این وظائف دست قدرت‌مند حجت و ولی خدا یاور اوست و در همه احوال مددکارش خواهد بود. و از سوی دگر می‌داند که ظهور آن عزیز پایان بخش همه نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و بی‌تقوایی‌ها می‌باشد و این باور و اعتقاد همواره منتظر راستین ظهور را امیدوار نگاه‌داشته و قوای لازم را در زندگی و در جهت نیرو و پیکار با اهریمنان به وی اعطاء خواهد نمود.

(۴) علاقه قلبی و صمیمانه به ترویج نام محبوب عالمیان،

حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام

تردیدى در این معنی نیست که اگر انسان کسی را دوست داشته باشد، علاقه‌مند است که محبوب او بلند آوازه گردد. این علاقه نشان دهنده محبت انسان به محبوب می‌باشد، و میل قلبی محب این است که نام حضرت فراوان در میان مردم برده شود و هر جا نام امام عصره السلام برده شود خوشحال شده و مسرور می‌گردد.

آنچه گذشت اموری بود که به عنوان وظائف قلبی منتظر بیان

گردید.

وظایف اعضاء و جوارحی

(۱) دعاء کردن بر ظهور آن بزرگوار: از مهمترین وظائف بدنی منتظر، دعا کردن بر ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداء می باشد. مهمترین این ادعیه:

الف) دعای **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ** و یا دعای بسیار معروفی که از زبان مبارک امام صادق علیه السلام جاری شده که عبارت باشد از:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

پروردگارا برای ولایت حجت بن الحسن که دروذهای تو بر او و بر پدرانش باد در این ساعت و هر ساعت ولی و نگهبان و پیشوا و یاور و هادی و راهنما باش، تا آنکه زمانی رسد که او را در زمین خلافت بخشی و مدت زمان طولانی وی را در زمین

بهره‌ور سازی.

ب) یکی از ادعیه‌ای که در زمان غیبت، خواندنش استحباب بسیار دارد، دعای شریفه ندبه است که از نظر مضامین، بسیار عالی است و فقرات آن منطبق بر آیات قرآن و روایات صحیحه می‌باشد که در این دعا میل قلبی و خواست باطنی و واقعی یک شیعه بر فرج و ظهور امام عصر علیه السلام به الفاظ کشیده شده است با فقراتی چون:

هَلْ يَتَّصَلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِغَدِهِ فَنَحْظِي وَ قَدْ مَلَأَتْ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا

آیا می‌شود روزی آید که ما به گرد تو حلقه زده باشیم و تو بر مردمان امامت نمایی و سراسر زمین را از عدل آکنده کنی و بر دشمنانت خواری و عقاب را بچشانی؟

مَتَى تَرَانَا وَ تَرِيكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِوَاءِ النُّصْرِ تُرِي

کی شود که تو ما را ببینی و چشمان ما نیز به جمال تو روشن گردد و این در حالی باشد که تو پرچم پیروزی را در عالم برافراشته باشی؟

فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدِكَ الْمُبْتَلَى وَ أَرِهِ
سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَ أزلْ عَنْهُ بِكَ الْأَسَى وَ الْجَوَى

پس ای خدای فریادرس، به فریاد بنده بلا رسیده‌ات برس، و ای خدای توانا سرور او را به زودی به او (در ظهورش) نشان بده و سوز دل و اندوه وی را بدین گونه زائل بفرما.

و فقرات دل‌نواز دیگری که در دعاء ندبه است و در آنها شکوه و شکایت از فراق و جدایی به زیباترین وجه بیان گردیده و تمنا و در

خواست وصال و حضور نیز به جذاب‌ترین صورت و در قالب الفاظ دل‌ربا جلوه‌گر گردیده است.

ج) از دگر ادعیه‌ای که خواندنش از سوی خود آن بزرگوار تأکید گردیده آنجا که فرمودند: «هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و بسوی ما، پس این دعا را بخوانید.» عبارت است از دعاء آل‌یس که با جمله **سَلَامٌ عَلٰی اِلِیْسَ** آغاز می‌گردد که در آخر این دعاء فقره ذیل آمده است:

وَ نُصْرَتِیْ مُعَدَّةٌ لِّکُمْ وَ مَوَدَّتِیْ خَالِصَةٌ لِّکُمْ

یعنی نصرت و یاری من برای شما مهیا است و ارادتم نسبت به شما خالص است.

د) از دیگر دعاهایی که فرد منتظر باید حتماً خود را مقید به خواندن هر روز آن نماید دعاء عهد است که پس از انجام فریضه صبح به خواندن آن مبادرت ورزیده می‌شود که ابتدای آن با این عبارت آغاز می‌گردد:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلٰی صَاحِبَ الزَّمٰنِ عَلِیَّ مِنَ الصَّلٰوٰتِ وَ التَّحِیَّاتِ

که از خدای سبحان درخواست می‌کنیم بهترین درودها و تحیت‌ها را از سوی خود ما و پدران و مادران و فرزندان ما و نیز همه مردان و زنان مؤمن به حضرت صاحب‌الامر عَلِیَّ برساند.

دعاء عهد دیگری در کتب ادعیه ذکر گردیده که بنا بر فرمایش امام صادق عَلِیَّ هر کس چهل صبح این دعاء را بخواند از یاوران حضرت مهدی عَلِیَّ خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت

بمیرد خداوند او را از قبر بیرون می آورد تا در خدمت آن حضرت باشد. آن دعاء با این فقرات آغاز می گردد.

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ
الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرِيَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ
رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ
الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ ...

پروردگارا، ای پروردگار نور بزرگ و خداوند کرسی بلند مرتبت و
پروردگار دریای بی انتها و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور
و خداوند سایه و آفتاب گرم و نازل کننده قرآن عظیم و
پروردگار فرشتگان مقرب ...

ه) و از دیگر ادعیه ای که خواندن آن توصیه گردیده است دعایی
است که از ناحیه مبارکه خود حضرت صاحب الامر علیه السلام شرف صدور
یافته که در ضمن اعمال عصر جمعه آمده است. این دعاء دعایی
است به نام صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی و بزرگان بیان
کرده اند که اگر ترک کردی تعقیب نماز عصر جمعه را به جهت
عذری، خواندن این دعاء را در عصر جمعه ترک مکن. ابتدای این
دعا چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ... وَ
صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

که سراسر این دعاء درخواست از خدای تعالی بر نزول بهترین
تحیتها و درودها بر حجت های الهیه از پیامبر اکرم تا جملگی

ائمه طاهرین و بالاخص وجود مقدس حضرت صاحب الامر علیه السلام و تمنای ظهور آن بزرگوار از خدای تعالی و رهاییدن حضرتش از چنگال ظالمان و خلاصه بهترین تمناهای قلبی بر صحت و سلامت و طول عمر و تعجیل در فرج و ظهور آن امام همام می باشد.

(و دیگر از ادعیه وارده که شیعه دل داده باید در خواندن آن مداومت داشته باشد دعایی است که بهتر است پس از گزاردن دو رکعت نماز و رو به قبله خوانده شود و آن دعا ابتدایش این است:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ
وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ
وَ بِلَادِهِ ... صَاحِبِ الزَّمَانِ

سلام کامل و تمام خدای متعال و دروذهای همیشگی و برکتهای پیوسته و مداوم پروردگار بر حجت خدا و ولی او در زمین و شهرهای او باد یعنی بر صاحب الزمان علیه السلام ...

ز) از دگر ادعیه ای که باید خوانده شود، دعایی است که به عنوان زیارت حضرت صاحب الزمان در روز جمعه موسوم است، همان روزی که قرار است ظهور مولود السرور حضرتش در آن واقع شود. مطلع این زیارت چنین است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي
بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَ يُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ...

سلام بر تو باد ای حجت خدا در زمینش سلام بر تو باد ای چشمان خدا در میان خلقش سلام بر تو باد ای نور خدایی که

اهل هدایت به آن هدایت یافته و به آن فرج برای مؤمنان حاصل می‌شود.

ح) دعای دیگری که دارای فضیلت بسیاری است، دعاء مبارکه افتتاح است که از ناحیه مقدسه خود آن بزرگوار صادر گردیده است و شیعه منتظر باید به خواندن آن دعا همت نماید و در شب‌های ماه رمضان آنرا بخواند. در آن دعا ضمن بیان معارف حقه از زبان ولی عصر ارواحنا فداء، به شیعه تعلیم داده می‌شود که توسط فقرات انتهایی این دعا شور و شوق و علاقه وافق خود را به ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ابراز و اظهار بدارد و از خدای متعال اصلاح امر ظهور و فرج آن بزرگوار را بخواهد. از جمله فقرات آن دعا می‌توان از فقرات ذیل نام برد:

وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ
 ... اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَ أَعَزِّزْ بِهِ وَ أَنْصُرُهُ وَ أَنْتَصِرْ بِهِ وَ أَنْصُرُهُ
 نَصْرًا عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ... اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ
 دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ
 كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ
 ... اللَّهُمَّ الْمُمِّ بِهٍ شَعْنَنَا وَ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَ ارْتُقْ بِهِ
 فَتَقْنَا ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِينَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ
 كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا ... وَ أَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ
 مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ بَضْرٍ تَكْشِفُهُ وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ وَ سُلْطَانٍ
 حَقٌّ تُظْهِرُهُ ...

یعنی: و خدایا بر قیام کنندگان که همگان به او امید دارند و آن‌کس که عدالت مورد انتظار را در جهان پیاده خواهد کرد

وظایف اعضاء و جوارحی * ۴۱

درود فرست ... پروردگار او را قدرتمند دار و به وسیله او نیز قدرت بخش و یاریش کن و به وسیله او نیز ما را یاری فرما و به آسانی او را پیروزش نما ... پروردگارا به دست او دینت و سنت پیامبرت را غلبه بخش ... پروردگارا ما از تو چنین آرزومندیم که دولت کریمه آن امام را به ظهور آوری، آن دولتی که در آن اسلام و اهلش را عزیز و قدرتمند نموده و نفاق و اهلش را خوار گردانی ... پروردگارا ما از فقدان پیامبرمان و غیبت اماممان و زیادی دشمنانمان و کمی نفراتمان به تو شکایت می‌کنیم ... و ای معبود ما در همه آنچه گفتیم ما را با فتحی نزدیک از سوی خود و با برطرف ساختن رنج و سختی و یاری با اقتدار و سلطنت حقه یاری فرما ...

ی) و سرانجام دعایی که معمولاً در صبح‌های جمعه و به صورت سنتی پسندیده پس از دعاء ندبه خوانده می‌شود که عبارت باشد از دعاء عَظْمُ الْبَلَاءِ.

آنچه به اختصار گفته شد مشهورترین ادعیه‌ای بودند که در جهت ظهور آن حضرت بایسته است شیعه منتظر به عنوان انجام وظیفه در اوقات تعیین شده از خواندن آنها غفلت ننماید و شیفتگی و دل‌دادگی خویش را نسبت به محبوب خود، با ادای فقرات ادعیه مذکور بیان و ابراز و اظهار دارد و ضمن آرام کردن دل مشتاقش با قرائت این ادعیه به وظیفه خویش که همانا دعای بر فرج و ظهور آن بزرگوار است عمل نماید.

نکته‌ای که در انتهای این بخش لازم است ذکر و ضمیمه شود آنست که گمان نرود که دعای بر ظهور امام علیه السلام، عملی است

یک طرفه و یک‌جانبه و از آن طَرَفی جز انجام وظیفه بسته نمی‌شود!! چرا که در همین ارتباط از سوی خود حضرت دستوری صادر گردیده است به این مضمون که: **أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ فِيهِ فَرَجَكُمْ** یعنی بر ظهور و فرج بسیار دعا کنید که در این دعا کردن بر فرج و ظهور امام عليه السلام، نزد دعا کننده بهره‌های فراوان خواهد برد و گرفتاری‌های او نیز حل خواهد گردید، زیرا یا پروردگار مهربان مقدر فرموده است که با دعای من، فرج و ظهور امام عليه السلام واقع شود و امر به ظهور از جانب خداوند صادر گردد، که در این صورت فرج کلی خواهد شد و تمامی مشکلات و گرفتاری‌های شیعه حل خواهد شد؛ و یا آنکه این امر، به دعاء کردن من تقدیر نشده است، که در این صورت مطلب به گونه دیگری اتفاق خواهد افتاد و آن اینکه محال است که من ناچیز و ناتوان و بی‌مقدار برای امام که معدن کرم و جوان‌مردی و بزرگواری و حق‌شناسی است دعا کنم، ولی آن بزرگوار در قبال عرض ادب و ارادت من به ایشان بزرگواری ننمایند و برای من دعا نکنند. به‌طور مسلم حضرتش نیز برای من دعا خواهد فرمود با این تفاوت که آن وجود نازنین نزد خدا جایگاه رفیعی داشته و مستجاب الدعوه‌اند و به یقین آن امام همام نیز برای من دعا خواهد فرمود و پروردگار مهربان نیز دعای آن عزیز را استجاب خواهد نمود.

ذکر واقعه‌ای در این ارتباط خالی از لطف نمی‌باشد.

در کتاب خرایج قطب راوندی چنین آمده: در اصفهان شخصی زندگی می‌کرد بنام عبدالرحمن که مذهب او برخلاف مذهب مردم اصفهان، شیعه بود. از وی پرسیدند که علت تشیع و اعتقاد به امامت

حضرت هادی علیه السلام چیست؟ پاسخ داد به خاطر مطلبی که برایم اتفاق افتاد و ماجرا از این قرار بود که من مردی فقیر ولی در سخن گفتن بی پروا بودم و به علت همین جرأت در سخن گفتن مردم اصفهان، من و جمعی دیگر را در سالی از سالها از شهر بیرون کردند و من به ناچار روانه دیار خلیفه عباسی متوکل شدم، تا در آنجا تظلم کنم. روزی که به بغداد رسیدم و عازم قصر متوکل شدم در همان روز متوکل امر به احضار حضرت هادی علیه السلام کرده بود. من از مردم پرسیدم: این مردی که متوکل امر به احضارش کرده کیست؟ پاسخ دادند: احضار شده فردی است علوی که رافضیان اعتقاد به امامت او دارند و متوکل دستور به احضار وی داده تا اینکه او را به قتل برساند. گفتم: از اینجا حرکت نمی‌کنم تا اینکه این مرد را ببینیم که کیست؟

پس از چندی دیدم که او را سوار بر اسب آوردند در حالی که مردم در قسمت‌های راست و چپ جاده ایستاده و منتظر ایشان بودند وقتی چشمم به جمالش افتاد، محبتش در قلبم جای گرفت و در دلم از خدا خواستم که پروردگار مهربان شرّ متوکل را از او بردارد وی در حالی که فقط به جلو می‌نگریست و نگاهش متوجه یال‌های اسب خویش بود مقداری جلو آمد بدون آنکه توجهی به راست و چپ مسیر داشته باشد، من نیز پیوسته در دل مشغول دعا کردن برای او بودم، وقتی به محلی رسید که من ایستاده بودم رو به سوی من کرده و فرمود خدای تعالی دعایت را مستجاب فرماید و به تو عمری طولانی و مالی فراوان و فرزندان زیاد عنایت فرماید. از شنیدن این کلمات از او بر خویشتم لرزیدم و به میان هم‌شهریانم

برگشتم. از من حالم را پرسیدند. من پاسخ دادم، خوبم، بدون آنکه از آن ماجرا چیزی بر زبان جاری کنم.

پس از مدتی ما به اصفهان باز گشتیم. خدای تعالی در رحمت خویش را بر من گشود به گونه‌ای که هم اکنون در منزل خود یک میلیون درهم اندوخته دارم و این مبلغ غیر از مالی است که در خارج خانه دارم. به علاوه خدای مهربان ده فرزند نصیب فرموده است و تا این لحظه نیز از عمرم هفتاد و چند سال گذشته است. امروزه نیز این توفیق را دارم که به امامت آن بزرگواری که از اسرار درونی و رازهای قلبیم خبر داد، معتقدم. آن امام بزرگواری که پروردگار مهربان دعایش را در حق بنده ناچیزش مستجاب فرمود. (۱)

پس باید که برای بهره‌وری از دعاهاى حضرت ولی عصر ارواحنا فداء برای سلامت و فرج حضرتش دعا نمود، چون این دعا کردن ضمن انجام وظیفه قطعی و حتمی مایه نزول برکات بر دعا کننده نیز خواهد بود.

(۲) وظیفه دوم آنکه در دعا کردن همواره امام عصر علیه السلام را بر خویشان مقدم بداریم و حوائج ایشان را بر حوائج خودمان ارجح بدانیم کما اینکه در ادعیه آمده است:

و مَقْدَمُكُمْ أَمَامَ طَلَبْتِي وَ حَوَائِجِي.

یعنی در دعا شما را بر خویشان و خواست‌ها تنها و نیازمندی‌هایم مقدم می‌دارم.

(۳) سومین وظیفه اعضاء و جوارح این وظیفه است که مرتب از خدای متعال تقاضا نماییم تا معرفت هر چه بیشتر خود و پیامبر و حجّتش را نصیب ما فرماید و در این ارتباط بهترین دعایی که وارد شده دعایی است که از حضرت صادق علیه السلام در بحار نقل گردیده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ
أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ
تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي
حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ
دِينِي (۱)

پروردگارا خود را بر من بشناسان. زیرا اگر تو خودت را بر من
نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. بار خدایا! پیامبرت را
به من بشناسان. زیرا اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی،
حجّتت را نخواهم شناخت. پروردگارا حجت خویش را به من
بشناسان. زیرا اگر حجّتت را بر من نشناسانی از دینم گمراه
خواهم گردید.

(۴) وظیفه چهارم عبارت است از مداومت بر خواندن این دعا
در زمان غیبت بنام دعاء غریق که از وجود مقدس حضرت
صادق علیه السلام رسیده است.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي

عَلَى دِينِكَ (۱)

که در این دعا با بیان فقراتش عرض می‌کنیم «ای الله، ای بخشنده‌ای مهربان، ای خدای دگرگون کننده قلبها، قلب مرا بر دین خود ثابت مدار.»

(۵) وظیفه دیگر از وظائف زمان غیبت عبارت است از صبر و تحمل در برابر آزار و اذیت و ایذاء دشمنان. در همین ارتباط حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌فرماید:

«أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (۲)

بدانید که منزلت آن کسی که در زمان غیبت او بر آزارها و اذیت‌ها صبر نماید همانند منزلت آن کس است که با شمشیرش در رکاب رسول خدا پیکار نموده باشد.

زیرا که تردیدی وجود ندارد که دوستان امام علیه السلام به خاطر آشکار نبودن امام و نیز مآذون نبودن آن بزرگوار به استفاده از قدرت ولایت مطلقه کلیه الهیه در زمان غیبت در هر مورد و مطلبی، در معرض آزارهای فراوان قرار خواهند گرفت، که این ایذاءها طبق حدیث لوح جابر که در کتاب کافی و دیگر کتب معتبره شیعی آمده است از این انواع خواهد بود:

فَيَقْتُلُونَ وَ يُحْرَقُونَ وَ يَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ

۱- بحار الانوار جلد ۵۲ ص ۱۲۹.

۲- بحار الانوار جلد ۵۱ ص ۱۲۳.

وَجِلِينَ تُصْبِغُ الْأَرْضَ بِدِمَائِهِمْ وَيَقْتُلُوا الْوَيْلُ وَالرِّئَةَ
فِي نِسَائِهِمْ.

یعنی در زمان غیبت مهدی علیه السلام دوست‌داران و شیعیان او را می‌کشند و به آتش می‌کشند و آنان همواره ترسان و لرزان و وحشت‌زده خواهند بود، زمین از خونشان رنگین گردیده و صدای ضجه و ناله زنانشان بلند خواهد گردید.

آری، شیعه دل‌داده و منتظر ظهور باید در برابر آزارها و اذیت‌ها صبور و خویشتن دار بوده و در برابر این صبر و تحمل خود را برای دریافت بهترین پاداش‌ها و غوطه‌ور شدن در رحمت‌های الهی آماده نماید.

(۶) وظیفه دیگر، آنست که هر روزه عهد و پیمان با آن بزرگوار را پس از انجام فریضه صبح به وسیله قرائت دعای عهد که در بخش ادعیه بر حضرت به آن پرداختیم، تجدید نمائیم.

(۷) وظیفه مهم دیگر در زمان غیبت ولی عصر ارواحنا فداه آنست که از گناهان خویش توبه واقعی نماییم. چرا که در زمان غیبت، زیادی گناهان، باعث دوری از آن بزرگوار و به تعویق افتادن ظهور حضرتش می‌گردد. در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام شرف صدور یافته است، بدان مطلب سخت تأکید و اصرار شده است. آنجا که می‌فرماید:

فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَامِمَا نَكْرَهُهُ وَلَا
نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ

پس هیچ چیز شیعیان را از ما دور نمی‌دارد مگر آنچه از آنان بما می‌رسد که آنها را ناخوشایند می‌داریم و آن اعمال را

شایسته ایشان می‌دانیم.

پس توبه از گناه نمودن هم باعث جلب توجه بیشتر امام علیه السلام گردیده و هم باعث می‌شود که انشاءالله در ظهور حضرتش تسریع گردد.

دلیل بر این مطلب حدیثی است که در جلد ۵۱ و ۵۲ بحارالانوار نقل گردیده است، که مضمون حدیث چنین است: خداوند متعال به حضرت ابراهیم و همسرش ساره بشارت داد که در سنین کهولت و پیری صاحب فرزندى خواهند شد، ساره خندید و گفت: «چگونه این امر ممکن است و حال آنکه من و تو هر دو پیر هستیم!» ندا رسید که اولاد ساره به همین خاطر یعنی باور نداشتن ساره قدرت خدا را، تا ۴۰۰ سال معذب خواهد ماند. وقتی بر بنی اسرائیل عذاب نازل شد، چهل روز به درگاه خدا ضجه و ناله و زاری و توبه نمودند. آن هنگام بود که خدای تعالی به خاطر ضجه و توبه آنان ۱۷۰ سال از عذابشان کاست و موسی و هارون را مأموریت داد که برخیزند و آنان را از جور و ستم فرعون نجات بخشند.

۸) وظیفه بدنی دیگر، اهتمام در تحصیل صفات حمیده و اخلاق پسندیده و انجام طاعت و عبادات شرعیه است که به‌طور طبیعی تحصیل این امور همراه با اجتناب از گناهان و معاصی خواهد بود و به تحقیق مراعات این امور در زمان غیبت بسیار مشکل‌تر و سخت‌تر از زمان ظهور حضرت است، چرا که در زمان غیبت، ملحدین و مشرکین و مشککین راحت‌تر می‌توانند مؤمنان را گمراه کنند. بر همین اساس نیز ایمان داشتن در زمان غیبت امام عصر علیه السلام از تمام ازمنه

دیگر مهمتر و مأجورتر است و مؤمنان زمان غیبت دوازدهمین امام، منزلتشان از تمام مؤمنان زمان ائمه برتر و والاتر است.

(۹) از جمله دیگر وظایف بدنی، جلب محبت مردم به سوی امام است و این امر به اینصورت محقق می‌شود که مردم بدانند امام منشأ چه خیرات و برکات عظیمه‌ای می‌باشد و دل در گرو مهر حضرتش سپردن، تا چه اندازه برای خود مردم وسیله بروز نعمات الهیه خواهد گردید. در همین ارتباط است که در حدیث می‌خوانیم:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اجْتَرَّ إِلَيْنَا مَوَدَّةَ النَّاسِ

رحمت خدا شامل حال آن کس باد که محبت مردم را به سوی ما جلب و جذب کند.

نکته‌ای که در این ارتباط گفت آنکه آیا شیفته و علاقمند به حضرت مهدی علیه السلام راضی می‌شود که به علت ارتکاب وی به اعمال ناپسند و گناه آلوده آبروی محبوب و مطلوب وی ریخته شود و امام مهربان او در میان مردم بی‌حرمت گردد و دل امامش رنجیده گردد؟!!!

شکی نیست که ارتکاب گناهان توسط یک فرد شیعه منتظر واقعی نه تنها باعث می‌شود که آبروی خود او ریخته شود، بلکه آبروی امام بزرگوار او نیز در معرض هتک و اهانت قرار می‌گیرد، زیرا آن کس که اعتقادی به حضرت مهدی علیه السلام ندارد با ارتکاب گناه فقط آبروی خود را می‌برد و رفتن آبروی او ارتباطی با آبروی امام پیدا نمی‌کند و حال آنکه بداندیشان و بدخواهان گناه فرد شیعه را به حساب امام می‌نویسند. در همین زمینه روایات فراوانی از ائمه شیعه رسیده است. از جمله روایتی است منسوب به حضرت

صادق علیه السلام به این مضمون که فرمودند: کار خیر از هر کس سرزند نیکو است، ولی از شما شیعیان نیکوتر است؛ و کار زشت نیز از هر کس سرزند زشت است، ولی از شما شیعیان زشت تر خواهد بود. چرا که شما منسوب به ما هستید و کار شما با ما ارتباط پیدا می کند و مردمان اعمال شما را به حساب ما می نویسند. لذا در انجام کار خیرتان به عنوان شیعه، باعث می شوید که آبروی ما فزونی یابد و در انجام کار زشتتان به عنوان شیعه، باعث می شوید که آبروی ما نیز در معرض هتک و اهانت قرار گیرد.

(۱۰) از دیگر وظائف بدنی، انجام امور مستحبّه به نیابت از طرف حضرت ولی عصر ارواحنا فداه این مطلب هم از اهمیت خاصی برخوردار است، و هم دارای شعبه های گوناگونی است، و ما به صورتی بسیار مختصر وظائف را در این بخش با اندکی توضیح و تفصیل می نگاریم. ولی قبل از پرداختن به تفصیل اعمال مستحبّه لازم می دانیم این نکته را متذکر شویم که انجام اعمال مستحبّه به نیابت از سوی حضرت صاحب الامر علیه السلام دارای امتیازاتی عمده است.

نخست آنکه توجه وجود مقدّس امام عصر علیه السلام را با انجام این گونه اعمال به سوی خود جلب و جذب می کنیم، و از سوی دیگر وقتی قرار شد من در انجام اعمالی، نقش نایب امام زمان علیه السلام را ایفاء کنم، به یقین آن عمل مقبول درگاه حضرت احدیت جلّ و علا قرار خواهد گرفت، و فرشتگان آن عمل را به عنوان عمل پذیرفته شده به بارگاه قدس ربوبی خواهند برد. به هر حال اعمال مستحبّه ای که به نیابت از سوی امام عصر علیه السلام انجام می پذیرد بسیار است که

می توان از آنها به این صورت نام برد.

الف) زیارت متشاهد مشرفه و بقاع متبرکه مانند زیارت مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام. زیارت مرقد نورانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام. زیارت قبور امام زادگان یعنی فرزندان حضرت علی و حضرت زهرا علیهما السلام که در گوشه و کنار این مملکت پراکنده اند. امام زاده هایی چون حضرت عبدالعظیم حسنی، حضرت حمزه بن موسی الکاظم، امام زاده عبدالله در شهر ری، امام زاده صالح و امام زاده قاسم در شمیران، امام زاده داود نزدیک تهران، حضرات احمد بن موسی، محمد بن موسی علاء الدین حسین علیه السلام در شیراز، امام زاده ابراهیم در زنجان، امام زاده حسین بن علی بن موسی الرضا در قزوین، امام زاده عبدالله در آمل. امام زاده طاهر بن علی بن الحسین در مهر شهر کرج، امام زاده یعقوب در هیدج زنجان، امام زاده سید جعفر و امام زاده نصیر الدین در یزد، امام زاده هاشم نزدیک رشت و حضرات امام زاده یحیی و امام زاده عبدالله و امام زاده محسن در همدان و امام زاده یحیی و سید اسماعیل و سید نصرالدین در تهران و سرانجام مرقد مطهر شیخ بزرگوار صدوق رحمته الله در ابن بابویه شهر ری و دیگر اماکن متبرکه.

نکته قابل ذکر آنکه جز در کنار ضریح مطهر ائمه معصومین علیهم السلام که قرائت زیارت جامعه کبیره و امین الله وارد است، در بقیه اماکن مقدسه طبق آنچه در کتاب معتبر و ارزشمند کامل الزیارات ابن قولویه آمده است، به عنوان انجام بهترین زیارات می توان ۱۱ بار سوره اخلاص و ۷ بار سوره قدر را خواند و ثواب آنها را به صاحب قبر هدیه نمود. و چه زیبا و بجاست که این

زیارات به نیابت از طرف حجّت زمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء انجام پذیرد.

ب) خواندن نمازهای مستحبیه به نیابت از طرف امام عصر علیه السلام.

ج) عیادت از بیماران شیعه متدین به همین قصد و نیت.

د) فاتحه خواندن در قبرستان شیعیان به نیابت از طرف امام

عصر علیه السلام.

ه) به یاری شیعیان درمانده شتافتن به همین نیت.

و) قرائت قرآن کریم به نیابت از سوی حضرت مهدی علیه السلام.

ز) نماز شب خواندن به همین قصد.

ح) کمک مالی به فقراء شیعه کردن به نیابت از سوی حضرت

حجّت علیه السلام.

و دیگر امور از این قبیل که می توان موارد وسیعی را دربر گیرد.

۱۱) شرکت در مجالس سوگواری و عزاداری اجداد بزرگوار

امام عصر علیه السلام به ویژه شرکت در عزاداری خامس آل عبا علیهم السلام و

حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام، و نیز شرکت در مجالس

جشن و سرور معصومین علیهم السلام که انشاء الله موجب رضایت وجود

مسعود امام زمان علیه السلام خواهد شد.

به فرموده بزرگی که خدای بر علو درجاتش بیافزاید، حضرت

ولی عصر ارواحنا فداء به مجالس عزای جد شهید و مظلومشان

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با وجود شرایطی عنایت خواهند

فرمود و آن شرایط عبارتست از:

الف) بانی مجلس، مجلس را فقط جهت تسلی خاطر حضرت

زهرا علیها السلام منعقد کند.

ب) سخنران و واعظ مجلس، تنها جهت تشفی خاطر جدّه سادات سخن بگویند و ذکر مصیبت نمایند.

ج) مستمعان و شرکت کنندگان نیز فقط با این نیت در مجلس حاضر شوند.

۱۲) وظیفه دیگری که باید انجام داد آنست که به هر نحوی از انحاء که شده، باید ترویج محبوب نمود. این ترویج می تواند به صور گوناگون انجام پذیرد: ترویج زبانی، قلمی، قدمی و مالی.

در ترویج زمانی لازم نیست که شخص سخنور و سخنران باشد تا در مجالس وعظ و خطابه درباره امام عصر علیه السلام سخن گوید و ذکر مناقب و فضائل آن حضرت را نماید. البته اگر این مهارت را داشته باشد چه بهتر، بلکه این مطلب حتی می تواند در سطحی محدود انجام پذیرد. مثلاً در ساعاتی که افراد خانواده گردهم جمع می شوند، و یا افراد فامیل در کنارهم قرار می گیرند، و یا این کار ممکن است در محلّ اشتغال و کسب و کار و حتی در وسائل نقلیه صورت گیرد. ترویج قلمی حضرت ولی عصر ارواحنا فداء تأثیری بسیار فراگیرتری دارد به ویژه آنان که دست به قلم دارند و از قریحه نویسندگی بهره مندند. و این خدمتی است که هرگز معادل هیچ یک از اثرات صاحب قلم نبوده و از ارزشی بس والا و بالا برخوردار است که ضمن جلب نمودن توجه بیشتر حضرت صاحب الامر علیه السلام، به عنوان یکی از باقیات صالحات نیز تلقی می گردد و در روز رستاخیز و قیامت وسائل جلب شفاعت حضرت حجت بن الحسن علیه السلام را برای نویسنده فراهم خواهد نمود.

مراد از ترویج قدمی سعی و تلاش در برگزاری مجالس مبارک

و میمون مربوط به امام عصر علیه السلام، به ویژه مجالس ولادت با سعادت آن امام همام و آن ذخیره پروردگار مهربان و آن کهف و پناه شیعیان، می باشد. در برخی از این جلسات صاحب نظران و ژرف نگران دل داده و شیفته، برکاتی را دریافت کرده و مشمول عنایات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گردیده اند، که بیان و شرح و تفصیل آنها، این مجموعه را از اختصار خارج خواهد نمود.

در صفحات آینده درباره ترویج مالی، تحت عنوان وظائف مالی سخن خواهیم گفت.

(۱۳) وظیفه دیگر توسل به امام علیه السلام است. از آنجا که امام واسطه فیض الهی است، باید او را وسیله تقرب الهی بدانیم و به وسیله او از خدا درخواست کنیم و بدانیم در مواردی که توسل به ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام داریم، این توسلات و عرض نیاز و حاجت به درگاه حضرت باری تعالی سرانجام توسط حجت زنده صورت خواهد پذیرفت و رفع حوائج و نیازها نیز توسط امام حجت نسبت به حاجت مند انجام خواهد گرفت. به این معنی که اگر حاجت مندی جهت رفع حاجت و نیاز خویشتن متوسل به ذیل عنایات حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام شود، تقاضای او از سوی حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت بقیة الله علیه السلام ارجاع داده می شود و توسط این بزرگوار به محضر پروردگار عرضه می گردد. و از آن سوی نیز اگر قرار بر روان شدن حاجت او باشد، حاجتش از حضرت حق جل و علا به حضرت صدیقه علیها السلام عنایت می گردد و از حضرت فاطمه علیها السلام به دست حضرت مهدی علیه السلام و از طریق امام عصر علیه السلام به حاجت مند داده خواهد شد. این معنا را در فقراتی از دعاء شریفه ندبه می توان

یافت. از آن جمله:

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى

کجاست آن مهدی که از سوی او باید نزد خدا رفت؟

أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

کجاست واسطه اتصال بین زمین و آسمان؟

نکته قابل ملاحظه و درخور عنایت آنکه آن امام مهربان بسیار به شیعه علاقه‌مندند و منتظر صدای استغاثه شیعه می‌باشند. یعنی در واقع انجام این وظیفه که توسل به حضرت حجت علیه السلام باشد، نفع و سودش به خود شیعه باز خواهد گشت و بهره دنیوی و اخروی نصیب شیعه‌ای خواهد شد که جهت برآورده شدن حاجاتش دست توسل به سوی آستان ملک پاسبان امام زمانش دراز کرده باشد.

(۱۴) از مهمترین وظایف شیعه در زمان غیبت آخرین حجت الهیه، همت گماردن بر رفع مشکلات و درماندگی‌های شیعیان درمانده می‌باشد. و به سخنی دیگر گره‌گشایی از کار گره در کار افتادگان است. در این مورد هر اندازه از اهمیت مسأله و عنایت و توجه امام عصر علیه السلام بیان شود، کم گفته شده است. برای آنکه این صفحات از بیان چنین مطلب با اهمیتی عاری و خالی نباشد، فقط به ذکر یک مورد با رعایت اصل خلاصه نویسی اکتفا می‌نماییم.

علی بن ابراهیم مهزیار اهوازی از علماء و روایت حدیثی شیعه به شمار می‌آید و در عین حال از شیفتگان و دل‌دادگان ساحت قدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است. او می‌گوید من غیر از یک نوبت حج واجب، ۱۸ بار حج مستحب به جای آوردم به این امید که در این سفر چشمانم به جمال مولایم روشن گردد. چرا که آن

بزرگوار امیر الحاج است و هر سال در موسم حج، در آن اعمال روحانی شرکت می‌کنند. ولی متأسفانه چنین توفیق و سعادت‌ی نصیب نشد و از همین روی وقتی دوستان نزدیکم در موسم حج نزد آمدند و پیشنهاد کردند که آن سال نیز همراهشان بروم، از پذیرفتن پیشنهادشان معذرت خواستم و گفتم: «نه این بار و نه هیچ نوبت دیگر به حج مشرف نخواهم شد» در شب همان روز که به دوستانم جواب رد دادم، در حالتی بین خواب و بیداری، هاتفی مرا ندا داد: «امسال مشرف شو. زیرا که در این نوبت تشریف شاهد مقصود را در آغوش خواهی کشید و به زیارت محبوب نائل خواهی گردید.»

پس از این مکاشفه، نزد دوستان رفته و تغییر تصمیم را به اطلاع آنان رساندم و آنگاه همراهشان عازم گردیدم و پس از سفر به عراق و زیارت عتبات وارد عربستان شدیم و به انجام مناسک حج پرداختیم. ولی با وجود آنکه مناسک به انجام رسیده بود، متأسفانه من توفیق درک هیچ فیضی از سوی محبوب را نیافتم، و به این نتیجه رسیدم که آنچه به عنوان هاتف عیبی انگاشته بودم، تصور و توهمی بینش نبوده است. لذا افسردم و پژمرده تصمیم گرفتم برای آخرین بار طوافی بجای آوردم و با خانه کعبه حدیث‌انظمی کنم. لذا در نیمه‌های شب، شروع کردم به طواف و در شوط سوم و یا چهارم بود که جوان زیبا رویی نزد آمد و سلام کرد. جواب دادم، از من پرسید: «اهل کجا هستی؟» پاسخ دادم: «اهل اهواز.» پرسید: «این خضیب را می‌شناسی؟» گفتم: «آری ولی از آنجا رها رفته است.» جوان گفت: «خدایش رحمت کناد. او نمازش را پاکیزه می‌خواند و

قرآن بسیار تلاوت می‌کرد و شب زنده‌دار بود.»^(۱) سپس از من پرسید: «آیا ابن مهزیار را می‌شناسی؟» گفتم: «خودم هستم.» پس گفت: «جمعه صبح قبل از طلوع فجر اینجا باش. تا آنکه به زیارت مولا برویم.» گفتم: «کدام مولا؟» جوان پاسخ داد: «مگر شما چند مولا دارید؟ مُرادم مولا امام عصر علیه السلام است.» گفتم: «من تعدادی دوست صمیمی در اینجا دارم آیا مجازم آنها را نیز سحرگاه جمعه همراهم بیاورم؟» گفت: «خیر آنان شایسته حضور در محضر امام عصر علیه السلام نیستند.»

من پس از این ملاقات به منزل آمدم و شب جمعه از دوستانم خداحافظی کرده و خود را قبل از طلوع فجر به کنار خانه کعبه رساندم و به‌همراه جوان راهنما پس از به‌جا آوردن نماز شب و فریضه صبح، به سوی طائف حرکت کردیم. پس از عبور از تپه‌هایی، وارد دشنی شدیم و خیمه‌ای سیاه را بر بالای تپه‌ای مشاهده نمودیم. جوان راهنما جلوتر از من داخل خیمه شد، تا آنکه برای من اجازه دخول بگیرد. سپس بیرون آمد و اجازه امام را به من ابلاغ نمود. داخل خیمه شدم و پس از سلام و عرض ادب بر دستها و پاهای مولایم بوسه‌ها زدم و عرض کردم آقای من، پیوسته در جستجوی شما بودم و سالیان درازی مشتاق زیارتتان. امام ضمن اظهار بزرگواری فراوان و ملامت و ملایمت بسیار به من فرمودند: «ای علی بن ابراهیم، من که امام زمان تو هستم از تو می‌خواهم که

۱- از این عبارات که در سطور آتی هم خواهد آمد، معلوم می‌شود که چه اموری انسان را مورد توجه امام عصر علیه السلام قرار می‌دهد.

مدّت یک هفته را میهمان من باشی.» بسیار خوشحال و مسرور گردیدم. آنگاه امام به دنبال این جملات چنین اضافه فرمودند: «ای ابن مهزیار، علّت آنکه شما توفیق زیارت را نمی‌یابید و از دیدن امامتان بی‌بهره می‌باشید آنست که:

(الف) اقویاء شیعه بر ضعفای آنها رحم نمی‌کنند.

(ب) اغنیاء شیعه بر فقراء شیعه کمک نمی‌نمایند.

(ج) شما صلّه رحم را ترک کرده‌اید.»^(۱)

از آنچه گذشت می‌توان برخی از اموری را که به عنوان انجام وظائف مورد نظر امام عصر علیه السلام است، دریافت، به‌خصوص این سه فقره آخر را که به‌طور کامل در جهت ارتباط و اتصال شیعه با یکدیگر و کمک و دستگیری به شیعیان در مانده و گره در کار افتاده، است؛ باید مد نظر و وجهه همت قرار داد.

(۱۵) از دیگر وظائف شیعه در قبال حجّت حقّ دفاع از حریم

این بزرگوار است با توجه و عنایت به دو اصل:

(الف) قرار گرفتن عقاید حقّه مبتنی بر کتاب و عترت، که رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمسک به دو ثقل کتاب و عترت را راه هدایت و مصون

ماندن از ضلالت بیان فرمودند. بنابراین أخذ اعتقادات جز از این

طریق منجر به هدایت و یافتن عقاید حقّه نمی‌گردد.

(ب) شناختن دشمنانی که بر علیه آن حضرت و بر علیه دین

صف بندی کرده‌اند. امروزه این قضیه به شدت هر چه تمامتر در

۱- این روایت به‌صورت گوناگون نقل شده است که این بنده با بهره‌گیری از تمام

صور آن و به اختصار در جهت حصول مقصود، آنرا نقل نمودم.

ممالک اسلامی و حتی کشوری شیعه چون ایران به چشم می خورد که عقاید ناپاک و ناصحیح به صورت های گوناگون در این راستا میدان جولان یافته اند و در گمراه کردن شیعیان ساده دل مشغولند. عقاید انحرافی که گاه انحرافشان در انکار معتقدات و مقدسات شیعه است و گاه انحرافشان در افراط برخی باورهای دین که منجر به شرک می گردد، ظهور می یابد.

و شیعه باید بداند که دشمنان قسم خورده این آئین پاک و خدایی، با همکاری و تأیید بیگانگان و استعمار و ابر قدرت جنایتکاری چون آمریکا و ابر قدرت حيله گری چون انگلستان، به قلع و قمع ریشه های درخت تنومند و سرفراز تشیع مشغولند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نیستند.

به هر حال وظیفه شیعه آگاه، دفاع از کیان تشیع و نیز نجات ساده دلانی از شیعه است که ممکن است تحت تأثیر القائات و تلقینات دشمنان شیعه قرار گیرند.

(۱۶) تکذیب کسانی که مدعی ارتباط با امام عصر علیه السلام هستند. در ارتباط با انجام این وظیفه ذکر اموری ضروری می نماید: همان گونه که اعتقاد صحیح ایجاب می کند، باید براساس توقیعی که به هنگام وفات چهارمین نایب خاص^(۱) امام علیه السلام از سوی حضرت حُجَّت علیه السلام شرف صدور یافت، معتقد بود که در زمان غیبت کبری مسأله ارتباط با امام علیه السلام به این معنی که بتوان مدعی شد کسی از محل امام مطلع است و هرگاه که بخواهد می تواند با حضرت

۱- یعنی جناب علی بن محمد سیفیری یا سفیری.

صاحب الامر علیه السلام ارتباط پیدا کند. به یقین منتفی است و گوینده این کلام هر که باشد، براساس صریح توفیع مبارک دروغ گو است. لذا باید در برابر تمام مدعیان این ادعای باطل و پوچ استاد و کذب بودن چنین مدعایی را قطعی و یقینی دانست، و به همه شیعیان نیز هشدار داد تا در چنین دامهایی که به القاءات شیطان و براساس فریفتن مردم سوء استفاده از سادگی عوام الناس و باز کردن دکانی پر زرق و برق، بر سر راه شیعیان گسترده شده، نیفتند و با این گروه مدعیان به گونه علمی و منطقی بستیزند و دستشان را بر نمائند و از منویات شومشان پرده برداری کنند و رضایت اسم عصر علیه السلام را به این ترتیب تحصیل نمایند.

اما تکذیب ارتباط با امام عصر علیه السلام به این معنی نیست که گاه از سوی امام علیه السلام گوشه چشمی نشان داده نمی شود و جان شیفته شیعه دل داده‌ای از یرنو انوار عنایات خاصه آن بزرگوار نورانی نمی گردد. به تعبیر دیگر در تشرّف به محضر مقدس امام علیه السلام از سوی شیعه بسته است، اما از سوی آن بزرگوار چنین نیست و مواردی را بزرگان ما در کتابهای خویش نگاشته‌اند و مشاهدات راستین برخی از مشرّفان محضر امام علیه السلام صحت این مطلب را به وضوح و روشنایی هر چه نامتر نشان می دهد.

حدیثی است از امام صادق علیه السلام که مؤید تشرّف شیعیان در زمان حضرت گبری با لطف و بزرگواری آن امام عالی نشان به محضر علیه السلام است.

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ
الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ وَ
الْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ^(۱)

از برای قائم دو غیبت است که یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی. اما در غیبت کوتاه مدت مکان او را کسی نمی‌داند جز شیعیان خاص و در غیبت بلند مدت مکان او را کسی نمی‌شناسد مگر دوستان نزدیکش.

در همین ارتباط دو نفر از بزرگترین دانشمندان شیعه مطالبی فرموده‌اند که ذیلاً ذکر می‌شود:

الف) مرحوم سید مرتضی علم الهدی رحمته الله چنین اظهار داشته‌اند: «ما نسبت به این مطلب قطع نداریم که هرگز کسی خدمت امام نرسد و احدی نتواند او را ملاقات کند. این مسأله‌ای غیر قطعی است و ما هیچ راهی بر مسلم بودن این قضیه نداریم^(۱)»

ب) شیخ الطائفه طوسی چنین بیان نموده است: «ما این مطلب را که بسیاری از دوستان امام و معتقدان به امامت آن حضرت شرف‌یاب حضورش شده باشند را جایز می‌دانیم.»

بر این اساس مانعی وجود نخواهد داشت که در زمان غیبت کبری نیز تعدادی از شیعیان لایق و شایسته و یا درمانده و مضطر، به محضر آن عزیز شرف‌یاب شوند و از عنایات خاصه‌اش بهره‌مند گردند.

۱- کتاب شریف اصول کافی جلد ۲ کتاب الحجة باب فی الغیبه صفحه ۱۴۰ و

۱۹۱- حدیث ۱۹

۲- بحارالاهل از جلد ۵۳ ص ۲۲۳

وظائف مالی

انجام وظائف مالی شاید دشوارترین نوع انجام وظائف باشد! چرا که معمولاً دل کندن از مال کار آسان و ساده‌ای نیست و برای برخی از آدمیان دل کندن از مال شاید سخت‌تر از دل بریدن از جان باشد.

به هر حال یکی از وظایف شیعه آن است که برای اسام زمانش پول خرج کند و این عمل به صورت‌های گوناگون می‌تواند انجام پذیرد:

(۱) صدقه دادن برای سلامت آن بزرگوار: در روایت آمده است:

الصَّدَقَةُ وَالِدُعَاءُ يَرُدُّانِ الْبَلَاءَ

صدقه و دعا بلا را بر می‌گردانند.

در توضیح مطلب باید گفت با آنکه امام خلیفه‌الله است، اما در عین حال بشر است، همان‌گونه که پیامبر نیز بشر بودند بنابراین حضرت به اعتبار این جنبه و وجهه وجودی، در معرض ابتلائات و بیماریها و لطمات می‌باشند لذا شیعه باید که به نشانه ارادت قلبی به

آن بزرگوار برای سلامت محبوبش صدقه دهد و این امر برای وی از چنان اهمیتی برخوردار باشد که حتی اگر صدقه دادن برای خود و فرزندان را فراموش می‌کند، از صدقه دادن برای سلامت امام غفلت نرزد و آن را به دست فراموشی نسپارد. و این صدقه لازم نیست که مبلغ گزافی باشد بلکه مستمراً در هر صبح و شام به میزان وسعتش برای این امر مهم مبلغی پردازد. و آن‌گونه که در روایات صحیح آمده است. امام عین الله الناظره است و تمام اعمال ما را می‌بینند. همان‌گونه که پیشتر آوردیم، عرض ادب‌ها و ارادت‌ها گو آنکه انجام وظیفه تلقی می‌شود اما در عین حال توجهات خاصه امام عصر علیه السلام را نیز به سوی ما جلب می‌کند و مایه نزول سعادات و برکات در زندگی ما خواهد گردید. لذا این اقدام و ترجیح آن حضرت بر خود و فرزندان. موحیات توجه آن حضرت را فراهم می‌کند.

(۲) زیارت مستحبه بیت الله الحرام به نیابت از آن بزرگوار. البته مانی که در این مسیر خرج خواهد شد، در برابر بزرگواری‌ها و عنایات و برکاتی که از آن وجود مقدس نسبت به چنین شیعه‌ای بروز و ظهور خواهد نمود، و بالاخص عنایاتی که در همین سفر از آن امام بزرگوار نسبت به زائری که به نیابت حضرتش اقدام به این سفر نمود، است. مشاهده خواهد شد؛ بسیار بی‌مقدار و بی‌ارزش خواهد بود.

(۳) شرکت فعال در جشن‌های تولد آن بزرگوار: سومین وظیفه از وظایف مالی. شرکت مالی در انعقاد جشن‌های ولادت حضرت زین العابدین علیه السلام در نیه شعبان است، که علاوه بر انجام وظیفه، تعظیم

شعائر الهی محسوب می‌گردد و از مصادیق بارز و مَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ است.

آنچه به تجربه ثابت گردیده است، آنست که چندین برابر مالی را که انسان در این ارتباط خرج می‌کند از جیب فتوت و کرم امام عصر علیه السلام برگشت داده خواهد شد.

(۴) خریدن کتب مربوط به امام عصر علیه السلام و هدیه دادن آنها به دیگران. این کار ضمن انجام یک وظیفه مالی ترویج امام محسوب می‌شود و قلب مبارک آن ولی الله را راضی و خوشنود خواهد ساخت.

(۵) دادن میهمانی و اطعام دوستان امام عصر علیه السلام. به مناسبت‌های گوناگون این کار باید انجام پذیرد. به خصوص در ایام و لیالی متبرکه و مبارکه ولادت با سعادت آن مظهر خدا یعنی حضرت بقیة الله ارواحنا فدا.

به امید آنکه انجام وظائف سه گانه قلبی، اعضاء و جوارحی و سرانجام مالی، ما را در ردیف شیعیان مخلص آن امام بزرگوار قرار دهد و نعمت ولایتش را بر ما مبارک و میمون بفرماید.

والسلام

لطفاً در مورد پرسشهای زیر اندکی تفکر نمایید:

- امام معصوم در جهان هستی چه نقشی دارد؟ در چند خط توضیح دهید.
- وظیفه ما در موضوع شناخت امام زمانمان را شرح دهید.
- رابطه شب قدر با امام عصر (عج) را توضیح دهید.
- وظایف شیعه در مورد امام عصر (عج) را بیان کنید.
- سه مورد از وظایف اعضاء و جوارح که خود مقید به انجام آن هستید را شرح دهید.